



احمد مازی

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس

مأموریت و اهداف سازمان صدا و سیما را می‌توان در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جست‌وجو کرد؛ اما به صورت متعین در دواصل قانون اساسی به جایگاه و مأموریت این سازمان تصریح شده است.

در اصل یکصد و هفتاد و پنجم به تأمین «آزادی بیان» و «نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور» در صدا و سیما تصریح شده، همچنین در مورد جایگاه سازمانی صدا و سیما، این سازمان را زیرمجموعه مقام معظم رهبری می‌داند و می‌گوید: «نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است» و در مورد نحوه نظارت بر این سازمان می‌گوید: «شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهوری، رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) بر این سازمان نظارت خواهند داشت» و در قسمت آخر این اصل می‌گوید: «خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند».

اصل دیگری که به صورت متعین به سازمان صدا و سیما تصریح دارد، اصل ۴۴ است. در این اصل که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تعریف می‌کند، در بخش دولتی در کنار صنایع بزرگ، صنایع مادر، معادن بزرگ، بانکداری و... از «رادیو تلویزیون» به عنوان یکی از موارد شمول بخش دولتی نام می‌برد که «به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است».

اکنون سازمان صدا و سیما و سیمای جمهوری اسلامی ایران با این مبنا و جایگاه قانونی، تنها رسانه صوتی تصویری فراگیر ایران است. در این مطلب بنا ندارم در مورد ساختار و مأموریت صدا و سیما بنویسم چرا که در جای خود در این مورد بسیار گفته و نوشته شد و باز هم گفته و نوشته خواهد شد اما آنچه که مورد بحث من است، این که این سازمان در قانون اساسی در دیف ثروت‌های عمومی معرفی شده و این، به آن معنی است که صدا و سیما متعلق به همه مردم است. اما سؤال مطرح این است که آیا اکنون واقعاً این سازمان در اختیار همه مردم است؟ آیا همه مردم از برنامه‌های آن راضی هستند؟ آیا صدا و سیما توانست قانون آزادی بیان باشد؟

برای اینکه قضاوت غیر علمی نکنم، از مسئولین سازمان تقاضای کنم با هدف پاسخ به این پرسش‌ها اگر پژوهش علمی انجام داده، نتایج آن را در دسترس مردم قرار دهد و اگر انجام ندهاند، بررسی این پرسش‌ها را در دستور کار خود قرار دهد.

جامعه ایران در عین وحدت و انسجام در اصول و ارزش‌های اعتقادی و ملی از لحاظ سلیقه و سبک زندگی دارای دیدگاه‌های مختلف است، ایران بزرگ، گلستان اقوام مختلف است، در کنار اکثریت شیعه، مسلمانان اهل سنت و اقلیت‌های دینی هم در این مرز و بوم زندگی می‌کنند، انقلاب اسلامی آزادی احزاب و برخورداری از حق انتخاب را به این ملت وعده داد و تضارب آرا و عقاید و فراهم شدن شرایط لازم برای مشارکت و انتخاب اصلح نیازمند رسانه است و صدا و سیما که رسانه ملی نام گرفت، در این راستا مسؤلیت سنگینی دارد؛ بویژه در ماه‌های پیش رو که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم و شوراهای شهری و روستا قرار داریم.

البته دوره کوتاه مدیریت جناب علی عسگری حاکی از سعه صدر و تلاش در جهت ارائه تصویر بهتری از این سازمان است که جای قدر دانی دارد اما برای نشان دادن مردم پای این رسانه فراگیر نیازمند شرح صدر بیشتر و فراگیری بیشتری هستیم که در ادامه مدیریت ایشان برای تحقق این انتظار ملی آرزوی توفیق دارم.

سرافراز رفت، انتقادهای رفت

گزارش

مروری بر تغییر رئیس سازمان صدا و سیما در سالی که گذشت

شده‌اش بوده است، گفت که همکاری با شهرداد میرقلی خان به عنوان فردی که به اتهام «خرید دوربین دید در شب» «سابقه پنج سال زندان در آمریکا» را داشته است به توصیه نهادهای امنیتی و در جریان حکم ناروای علیه وی انجام شد. وی سپس مدعی شد که «عوامل یک دستگاه امنیتی با فراخواندن وی و بیان اینکه چرا کتاب چاپ کرده یا چرا با رسانه‌ها مصاحبه کرده است، از خانم میرقلی خان خواستند کشور را ترک کند». سرافراز در آن مصاحبه با رد اتهاماتی مانند جاسوسی، نفوذ و... که علیه «بازرس ویژه رئیس صداوسیما» مطرح شده بود، گفت «برجسته‌سازی این اتهامات در سطح برخی رسانه‌ها نشان می‌دهد طراحان عملیات روانی علیه رسانه ملی طرح ویژه‌ای را در دست اقدام دارند»؛ «پروژه ویژه‌ای» که در صورت وجود در نهایت در مورد شخص سرافراز به نتیجه رسید و به برکناری او منجر شد.

وعده تغییر، چند ماه پس از تغییر

انتصاب علی عسگری به ریاست سازمان صدا و سیما مهربانی



بود بر حرف و حدیث‌ها؛ پیرامون مجادله پنهانی که گفته می‌شد میان برخی نهادها و رئیس سازمان صدا و سیما بویژه پس از آن مصاحبه کم سابقه به وجود آمده است، اما بر خلاف انتظار، تغییر رئیس رسانه ملی تحولی در رسم و رسوم حاکم بر رویکرد سیاسی این سازمان نبود. حضور نامتوازن کارشناسان، به نحوی که حتی حضور معاون وزیر امور خارجه برای توضیح درباره آخرین تحولات اجرای برنامه منوط به حضور یک چهره منتقد برجام و تبدیل برنامه به مناظره شد و البته در نهایت به انصراف معاون وزیر از حضور در سیمای ملی انجامید؛ زیرا وزارت خارجه مناظره یک منتقد با دیپلمات رسمی و ارشد کشور را به دلیل احتمال مطرح شدن برخی مسائل خلاف مصالح و امنیت ملی می‌دانست و شخص عراقچی در نشست خبری که به عنوان جایگزین آن برنامه تلویزیونی برگزار کرد با گلایه از شانه خالی کردن صدا و سیما از اجرای تعهد خود تصریح کرد که «فکر نمی‌کنم در هیچ جای دنیا یک دیپلمات را در کنار یک منتقد بنشانند».

حذف برخی چهره‌های تأثیرگذار انقلاب از آنتن سیمانا آنجا که منجر به تشدید انتقادات مردم و گلایه دلسوزان شد نیز از دیگر رویه‌های ممتدی بود که بویژه در سال‌های اخیر در پیش گرفته شد، رویه‌ای که سبب شد بازگشت آیت‌الله هاشمی به آنتن صدا و سیما به عنوان یکی از چهره‌های محذوف، آن هم پس از رحلت‌اش، نه تنها از انتقادات نگاهد که فرصتی برای بیان دوباره‌شان فراهم آورد. تا آنجا که در گرگ‌مردم مراسم تشییع رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام علی عسگری ناچار شد در پاسخ به این انتقادات بگوید: «انتقادهای روری چشم می‌گذاریم و سعی می‌کنیم نسبت به انتقادهای عملکردمان را اصلاح کنیم»؛ وعده‌ای که بسیاری از کارشناسان عملی شدن آن را با توجه به مقتضیات رسوب کرده بر ساختار سازمان صدا و سیما امری کم‌احتمال ارزیابی کردند. با وجود این، امید برای تحقق تغییر در گسترده‌ترین رسانه کشور در سالی که قرار است انتخابات مهم ریاست جمهوری و شوراهای شهری و روستا برگزار شود، امیدی است که نباید از آن نومید شد.

فاطمه رزاقی، اردیبهشت ماه سالی که گذشت، سنت حضور ۱۰ ساله مدیران معتمد در جایگاه ریاست رسانه ملی شکست. پس از صادق قطب‌زاده که تنها یک سال ریاست سازمان صدا و سیما را بر عهده داشت، محمد سرافراز یکی از کوتاه‌ترین دوره‌های مدیریت این سازمان را رقم زد. سرافراز که ۱۵ آبان ۱۳۹۳ از سوی رهبر معظم انقلاب برای عهده گرفتن این مسؤلیت انتخاب شده بود، یک سال و شش ماه بعد در ۲۲ اردیبهشت ماه سال ۹۵ جای خود را به عبدالعلی علی عسگری داد. این در حالی بود که احکام ریاست این سازمان همواره برای مدت ۵ سال صادر می‌شد و بر همین اساس محمد هاشمی، علی لاریجانی و عزت‌الله ضرغامی رؤسای پیشین صدا و سیما با تمدید احکامشان، ادوار ۱۰ ساله حضور در رأس مدیریت فراگیرترین رسانه کشور تجربه کردند.

نیمه آبان ۹۳ در حالی که رئیس وقت صدا و سیما در ۵ ساله دوم ریاستش، همزمان با انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و حوادث پس از آن، با بیشترین انتقادات از سوی جریان‌های سیاسی و تندترین شعارهای معترضان علیه عملکرد خود مواجه بود؛ قرعه فال جانشینی به نام محمد سرافراز افتاد. سرافراز تا پیش از آن مدیریت بخش برون مرزی صدا و سیما و نیز مدیریت شبکه «پرس تی وی» را در فهرست سوابق خود داشت و البته پیروی نعل به نعل شبکه انگلیسی زبان تحت مدیریتش از سیاست‌های کلی سازمان، بویژه در پوشش دادگاه‌ها و اعترافات سیاسی، او را از اواخر سال ۹۱ تحت تحریم‌های اتحادیه اروپا با ادعای نقض حقوق شهروندان قرار داد.

اما برخلاف همه این مسائل، حکم مدیریت یافتن سرافراز مانند هر حضور جدید دیگری نسبت به تغییرات مثبت و کاسته شدن از حجم انتقادات بر رسانه ملی، «امید» ایجاد کرد، امیدی که با در پیش گرفتن سیاست‌های انقباضی سرافراز، تعدیل گسترده نیروهای سازمان برای کاستن از هزینه‌ها و تنگ‌تر شدن دایره روشنفکران و فرهیختگانی که اجازه حضور در برنامه‌های صدا و سیما را می‌یافتند به کلی بر باد رفت.

در عین حال سایه سنگین تقابل‌های سیاسی میان جریان‌های رقیب با دولت بر برنامه‌های این رسانه و سوءگیری‌هایی که به واسطه حضور پررنگ چهره‌های منتقد دولت در رسانه ملی پدیدار بود از جمله مسائلی بود که عملکرد صدا و سیما را در هجده ماهه ریاست سرافراز بیشتر مورد نقد قرار داد؛ وضعیتی که در گذر زمان و به رغم تغییر رؤسای آن داشت.

یک خرق عادت و چندین گمانه

خبر جایگزینی علی عسگری به جای سرافراز اگر چه به زمه‌های مربوط به احتمال استعفا و اخیری غیر مترقبه نبود؛ اما خرق عادت بود که سبب شد گمانه‌زنی‌های متعددی از سوی ناظران سیاسی و رسانه‌ای درباره چرایی این تغییر مطرح شود؛ اگر چه برخی با شایع کردن گرفتاری سرافراز به «دیسک کمر» سعی کردند دلیل استعفا اجباری او را به ناتوانی جسمی تقلیل دهند اما بسیاری این چرایی را در انبعاث مختلف عملکرد او جست‌وجو کردند و از همین رو در حدس و گمان‌های خود به دلایلی همچون ناتوانی او در بر گرداندن مخاطب از دست رفته صدا و سیما و نیز به خطر افتادن منافع عده‌ای از مدیران این سازمان در اثر تغییر و تحولاتی که سرافراز در درون این سازمان آغاز کرده بود، اشاره داشتند؛ اقداماتی که به باور سرافراز با هدف چابک‌سازی و افزایش کیفیت تولیدات این سازمان انجام می‌شد، ادغام برخی شبکه‌های سیما در یکدیگر و برکناری صدها مدیری که به رغم باز نشستگی همچنان موقعیت‌های شغلی را در اختیار داشتند.

اما علاوه بر اینها دلیل دیگری نیز به گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای راه یافت. انتشار یک تصویر از سرافراز با مدیر بخش برون مرزی «پرس تی وی» که رئیس سابق رسانه ملی در مصاحبه واسط بهممن ماه سال ۹۴ خود با شبکه جام جم مسائل مربوط به آن را ذیل عنوان «عملیات روانی چندلایه علیه صدا و سیما» و «ضربه زدن به رسانه ملی و نظام» تفسیر کرد.

سرافراز در این مصاحبه که به نظر می‌رسید تنها دلیل انجام آن پاسخ به مسائل مطرح شده پیرامون معاون پیشین متواری